

## آموزش با سریال how I met your mother

جلسه بیستم - مدرس: علیرضا صادقیان



How did I **sprain** my ankle?

مچ پام چطوری پیچیده؟

کلمه sprain به معنی رگ به رگ شدن و یا پیچ خوردنه.

A sprain or a broken leg

پای پیچ خورده یا شکسته

Did you sprain it badly?

بدجوری رگ به رگ شده؟

تد از اتاق میاد بیرون و به مارشال و لیلی سلام میکنه

So uncle Marshal and Aunt Lily **filled me in**

عمو مارشال و عمه لیلی جزئیات رو بهم گفتن

**To fill (somebody) in (on something):** to tell (somebody) the details (about something); to inform, to advise, to notify (somebody about something)



If he **pukes**, one of you guys cleans it up

اگه بالا بیاره یکی از شما باید تمیز کنه

That's the **whole point** of getting drunk

هدف اصلی برای مست شدن همینه

You do things you'd never do in a million years if you were **sober**

کارهایی رو میکنی که در طول میلیون ها سال مست نبودن انجام نمیدادی  
خب تد زنگ میزنه به رابین و بهش میگه که از سال ۱۹۹۳ تا حالا بالا نیاورده و اونم میگه:

Dude, that's **impressive**

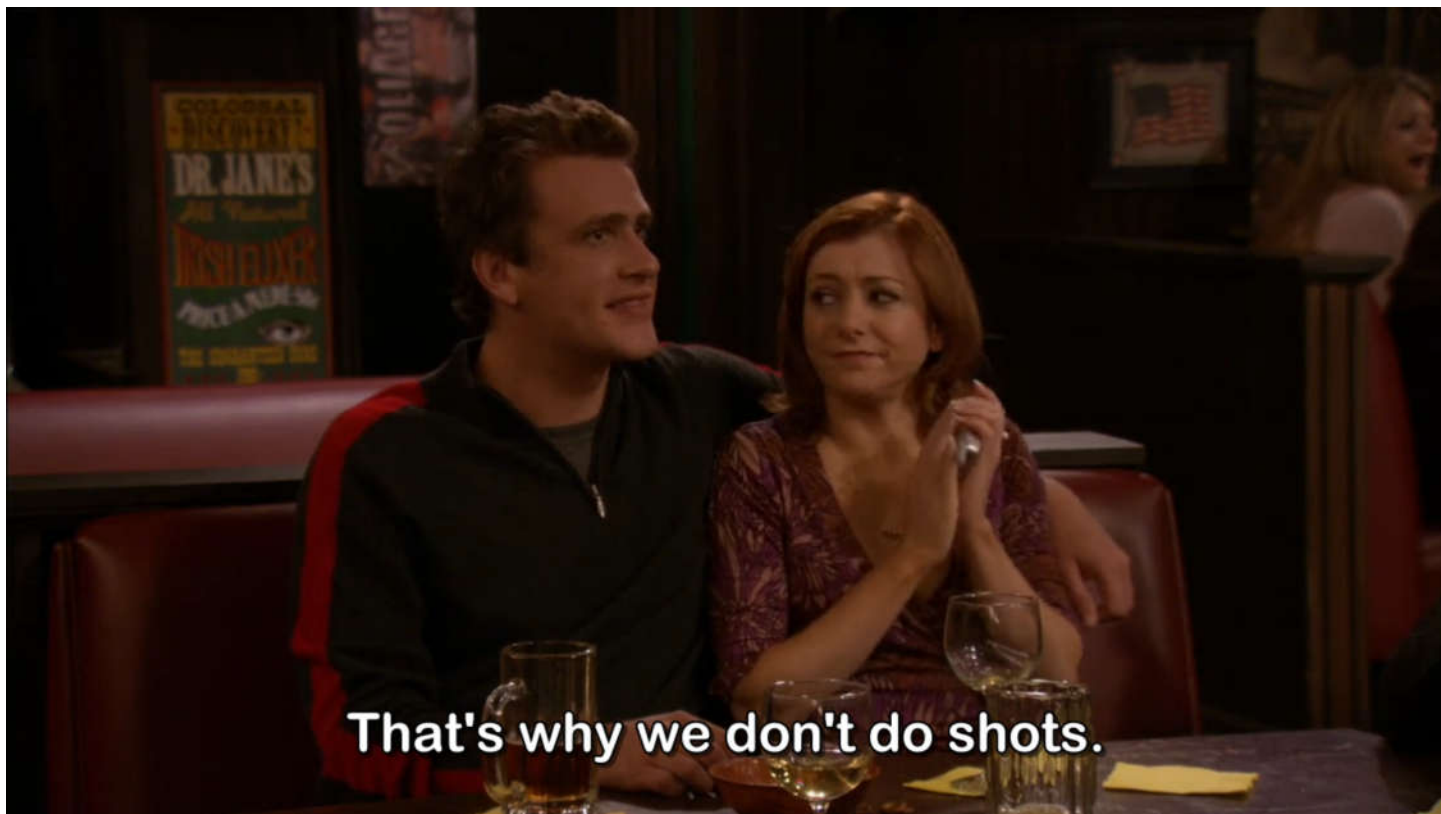
یعنی خیلی تاثیر گذاره

I'm kind of on date right now

الان یه جورایی قرار دارم

Just this guy spends a lot of money doesn't mean you have to **put out**

اینکه این آقا انقدر پول خرج میکنه معنیش این نیست که باید باهاش رابطه داشته باشی. عبارت put out رو به طور کامل در جلسه قبل بررسی کردیم.



That's why we don't do shots.

### That's why we don't do shots

به خاطر همینه که مشروب نمیخوریم  
یکی از ساختارهای پرکاربرد در زبان انگلیسی همین ساختاره

به خاطر همینه که ...

### That's why I/you/we .....

به این مثالها دقت کن:

That's why you didn't call me

به خاطر همینه که بهم زنگ نزدی

That's why we did it

به خاطر همینه که اینکارو کردیم

That's why I don't like him

به خاطر همینه که ازش خوشم نمیاد



### He's not making smart decisions

تصمیمات عاقلانه نمیگیره

اینجا کالوکیشن make decisions رو داریم به معنی تصمیم گرفتن. بریم سری بزنییم به دیکشنری لانگمن

#### کالوکیشن های مهم کلمه decision

- **Make a decision**

I want to think about it a bit longer before I make a decision.

- **Reach/come to/arrive at a decision (=make a decision after a lot of thought)**

We hope they will reach their decision as soon as possible.

- **Regret a decision (=wish you had not made a particular decision)**

I was already regretting my decision to go on holiday with him.

- **Reconsider a decision (=think about changing a decision you have made)**

He said he wasn't prepared to reconsider his decision.

- **Postpone a decision (=not make a decision until later)**

The government has postponed its decision about when to hold the election.



Uh, the porcelain keeps the suit from wrinkling.

The porcelain keeps the suit from **wrinkling**

پرسلان از چروک شدن کت و شلوار جلوگیری میکند

Ted as your mentor and spiritual guide, I forbid you from calling her

تد به عنوان مربی و راهنمای روحی روانی، تو رو از انجام اینکار منع میکنم

If you complete that call I will set your coat on fire

اگه اون تماسو بگیری کتت رو آتیش میزنم

Real suede wouldn't have gone so fast, **you got robbed**, this is a **blend**

چرم جیر خالص اینجوری آتیش نمیگیره. تو پاچت کردن. قاطی داره

After I **hosed you down** with the beverage gun

بعد از اینکه با اسلحه مشروب تورو کشتم

کتابت **kill someone** به معنی **hose someone down**